

دسته دیگری از کشتیهای جنگی انگلیسی بفرماندهی امیرالبحر جلیکو^۱ از راه در رسیدند و آتش جنگ تندتر شد ضمناً سفائن انگلیسی راه بندر ویلهلمسهافن را نیز بر کشتیهای آلمانی بستند و پس از دو ساعت جنگ هنگام غروب امیرالبحر آلمانی چون قوای خویش را ضعیفتر از قوای دشمن دید، بدستکاری دودهای مصنوعی سفائن خود را از نظر کشتیهای انگلیسی مستور داشته رو بسواحل آلمان نهاد و بخلیج الب پناهنده شد. سفائن انگلیسی هم چون از جنگ شبانه بیدار شدند او را تعاقب نکردند.

در جنگ بحری تنگه اسکاژراک دو امیرالبحر انگلیسی با ۳۳۱ صاحب منصب و ۵۰۰۰ ملاح و ۱۵۰ کشتی بزرگ که گنجایش آنها قریب ۱۱۷۰۰۰ تن بود غرق شدند. از سفائن آلمان نیز ۱۵ کشتی بزرگ و یک تحت البحری معدوم گشت که گنجایش آنها جمعاً ۶۰۰۰۰ تن بود.

محاربات سال ۱۹۱۷

هیندنبورک پس از آنکه در ماه اوت ۱۹۱۶ بجای فائکنهاین بریاست کل ارکان حرب آلمان منصوب گشت، بدستکاری لودندرف که در همان حال بمعاونت وی تعیین شده بود، از پی ازدیاد قوای لشکری و لوازم جنگی مملکت بر خات و اداره ای بنام اداره عالی جنگ تأسیس کرد که وظیفه آن تجهیز لشکریان جدید و تهیه اسلحه و لوازم جنگی تازه بود.

سپس بموجب قانونی که تصویب ریشتاک رسانیده بود قسمت اعظم قوای مملکت را در راه جنگ بکار برد و عموم جوانانی را که از هجده سال کمتر داشتند و هنوز سن سپاهگیری نرسیده بودند باعده کثیری از دختران و زنان در کارخانهای اسلحه سازی بکار

گماشت و بدینوسیله در اندک مدتی اسلحه جدید فراوان تهیه کرد . در همین حال دول آلمان و اطیش بامید اینکه مردم لهستان را بر ضد متفقین برانگیزند و از آنان سپاه فراوانی فراهم سازند ایشان وعده استقلال دادند (۵ نوامبر ۱۹۱۶) ، ولی این امید خطا گردواز لهستان سپاه فراوانی گردنیامد .

باوجود جدوجهد هیتدنبورک درازدیاد قوای لشکری ورود امریکا باز درآغاز سال ۱۹۱۷ عده افراد سپاه آلمان و اطیش از عده افراد سپاه دشمن بمراتب کمتر بود وبهین سبب جنگ دول مرکزی از پیشدستی درحمله بخصم بیم داشتند .

معهذا دولت آلمان از طریق جنگ تحت البحری نامحدود بر دشمنان خود حمله میتوانست کرد و هنوز هم امیر البحر کل آندولت معتقد بود که باجنگ تحت البحری نامحدود میتوان انگلستان را از پای درآورد . ولی صدراعظم آلمان از بیم ممالک متحده امریکای شمالی وهند و دانمارک بدین امر راضی نمیشدوبعلت مخالفت وی جنگ تحت البحری نامحدود قریب یکسال بتأخیرافتاد وفرصی از دست رفت .

در ۳۱ ژانویه ۱۹۱۷ دولت آلمان بدول متحده امریکای شمالی اطلاع داد که از اول ماه فوریه جنگ تحت البحری نامحدود خواهد پرداخت و کشتی تجارتنی هر دولتی را که وارد مناطق ممنوعه جنگی یعنی سواحل فرانسه وانگلیس و ایتالیا والجزیره وتونس وقسمت شرقی بحر الروم ، شود غرق خواهد کرد . دول متحده امریکا نیز در جواب روابط سیاسی خویش را با آلمان قطع کردند (فوریه) و در ۷ آوریل رسماً بدول آلمان و اطیش وعثمانی از درجنگ در آمدند . پس ازورق ممالک متحده امریکای شمالی بهجنگ در اندک مدتی دول برزیل وسیام و چین و کوما و اوروگه و پرو و یونان نیز بمتحدین اعلان جنگ فرستادند

معارفات
 جنبه غربی

بنابر نقشه‌ای که متفقین از اواسط ماه نوامبر ۱۹۱۶ کشیده بودند مقرر شده بود که از آغاز سال ۱۹۱۷ در تمام جبهه‌های جنگی بمحاربات تعرضی پردازند تا دشمن را مجال حمله نماند. نقشه حملات تعرضی جبهه غربی را ژنرال ژوفر طرح کرده بود. ولی او خود با اجرای نقشه مزبور توفیق نیافت. چه بواسطه پیشرفت نکردن قوای فرانسه از آغاز جنگ و موفق نشدن ژوفر بانجام وعده‌های خود، که خارج ساختن دشمنان از خاک و طین یکی از آنجمله بود، فرانسویان از وی نومید شدند و دشمنانش زبان بملامت و زشت‌گوئی گشودند. بالاخره دولت فرانسه در اواخر دسامبر ۱۹۱۶ ژوفر را رتبه مارشالی عطا کرد. ولی فرماندهی کل جبهه غربی را ژنرال فیول سپرد و ژوفر را در سال ۱۹۱۷ با امریکا فرستاد تا در تجهیز سپاه با اولیای امور آندوکت یاری کند.

تغییر ژوفر و نصب نیول حمله متفقین را که تا بود در ماه فوریه ۱۹۱۷ آغاز شود یک‌ماه بتأخیر انداخت. در همان حال ارکان حرب کل آلمان که از قصد متفقین آگاه شده بود، برای اینکه هتفه جنگی ایشان را باطل کند، سپاه خود را نهانی قریب بیست کیلومتر عقب نشان دادند و بدین سبب زحماتی که نیول برای حمله کشیده بود بهدر رفت و انجام مقصود او یک‌ماه دیگر بتأخیر افتاد.

بالاخره از نهم ماه آوریل حملات سخت متفقین آغاز شد. نخست قوای انگلیس در ناحیه آرا مرخندقیهای آلمانی تاخته بدسبباری توپهای سنگین و تانکها اندکی پیشرفت کردند و حملات ایشان تمامه مه دوام یافت. ولی درین مدت باوجود تحمل خسارات فراوان فقط هشت کیلومتر از اراضی ناحیه آرا بدست ایشان افتاد. پس از آن

در ۱۶ آوریل قوای فرانسه در نواحی رودان و جنگگاه شامپانی حمله سختی پرداختند، ولی چون سرداران آلمانی قبلاً از قصد ایشان آگاه شده بودند، پیشرفت قابل نائل نیامدند و از افراد سپاه آنان نیز جمع کثیری بجاک هلاک افتادند.

پیشرفت نکردن قوای متفقین فرانسه و بیان را از ژنرال نیول نیز امید ساخت و حکومت فرانسه ناگزیر شد که مقام فرماندهی کل جبهه غربی را از وی باز گرفته بر ژنرال پتن سپارد (۱۶ مه).

در ماه ژوئن آن سال چون انجنگ تحت البحر نامحدود بدولت انگلستان خسارت بسیار رسیده بود و حفظ روابط انگلستان و فرانسه را امریکا از طریق دریای مانس دشوار بنظر میرسد، سپاهیان انگلیسی نامور شدند که در ناحیه فلاندر بر قوای دشمن حمله کردند تا آنجا که بتوانند بر بنادر ساحلی دریای شمال مانند استاندا و زیرو و گز که پناهگاه تحت البحرهای آلمانی بود دست یابند و دریای مانس را تا حدی از آسیب آنها محفوظ دارند. بنابراین لشکریان انگلیسی در ناحیه جنوبی شهر ایپر ناگاه بسختی بر دشمن حمله کردند و بیاری توپخانه و تانکهای خود عده کثیری از سپاهیان آلمان را که منتظر حمله سخت ایشان نبودند بهلاکت رساندند (۷ ژوئن). در همان حال قوای فرانسه نیز موقع رامقنم نموده در نواحی شامپانی غربی و حوالی وردن و برخی نقاط دیگر بر سپاه دشمن تاختند. ولی حملات آنان محلی و موفقی بود. سپس در ماه ژوئیه مجدداً قوای انگلیس در اراضی فلاندر بین دو رودخانه ایتر و لی بگلوله باران کردن خندقهای خصم پرداختند و آتشباری توپخانه ایشان بجائی رسید که نظیر آن در جنگهای پیشین دیده نشده بود. جنگ درین ناحیه چندماه دوام یافت و چون در ناحیه مزبور حضور

خندقهای عمیق بواسطه مجاورت دریا امکان ناپذیر بود طرفین خشقت بسیار کشیدند و بریشان از هر جهت خسارات فراوان رسید . در ماه نوامبر ۱۹۱۷ سرداران انگلیسی بر آن شدند که در حدود شهر کامبره^۱ (واقع در کنار رود اسکو) باز غفله بردشمن حمله کنند . ولی درین جنگ بجای اینکه پیش از حمله پیادگان بوسیله آتش توپخانه دشمن را عقب نشاند ، مخصوصاً تانک را که در جنگهای پیشین امتحان نیکو داده بود بکار بردند و با قریب ۴۰۰ تانک و متجاوز از هزار طیاره جنگی بر خندقهای آلمان حمله کردند . در ناحیه کامبره پناهگاههای آلمانی بسیار مستحکم بود و بهمین سبب با آنکه حمله ناگهانی تانکها سپاهیان آلمان را مرعوب کرد لشکریان انگلیس پیشرفت قابلی نکردند .

گذشته از جنگهاییکه در نواحی سابق الذکر روی داد ، سایر نواحی جبهه غربی در سال ۱۹۱۷ نسبتاً آرام بود . در آغاز ماه دسامبر این سال عدد سپاهیان امریکائی در فرانسه فقط به ۱۴۵۰۰۰ میرسید و این عدد نیز در عقب خطوط جنگی با موختن فنون لشکری جدید اشتغال داشتند .

در آغاز سال ۱۹۱۷ بعزت دوام جنگ وضع زندگانی
 انقلاب روسیه
 غالب ملل اروپائی چنان سخت شده بود که تحمل
 صلح برست لیتوسک
 آن امکان ناپذیر می نمود . عموم ملل از تنگی
 معیشت و کمی آذوقه و تغییر اوضاع عادی اجتماعی و فشار حکومتها و
 تحمیلات جنگ بسنوه آمده بودند و آثار ناخرسندی و شورش در
 غالب طبقات زیر دست دیده میشد .

روسیه بواسطه نالایق بودن سران قوم و خیانت زعمای مملکت

زود تر از منالك ديگر دچار بدبختی و انقلاب گشت. نیکلای دوم پادشاهی ضعیف النفس و بی کفایت بود و اراده کشیش زشتخوی بد کرداری موسوم به راسپوتین^۱، که برخی او را جاسوس و دست نشاندۀ حکومت آلمان دانسته اند، بروی و دربار وی فرمانروائی داشت. در سالهای اول جنگ کار فرمانروائی این کشیش بجائی رسیده بود که تسار و زرای خود را بدستور وی عزل و نصب میکرد و حمله یا عقب نشینی قوای روسی بسنه بمیل آن کشیش بود.

در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۶ یکی از شاهزادگان وطن پرست روسیه راسپوتین را بقتل رسانید، ولی فقط قتل وی کار روسیه را اصلاح نمیتوانست کرد. در نهم مارس ۱۹۱۷ قحطی و سختی معیشت در پتروگراد^۲ بدرجۀ کمال رسید و از روز دهم کارگران کارخانها و سایر مؤسسات شهری دست از کار کشیده اجتماعاتی تشکیل کردند و علامات ناخرسندی و انقلاب در دوماي روسیه نیز ظاهر گشت. در روز یازدهم تسار در صدد انحلال دوماي آمد، ولی مجلس مزبور فرمان او را وضعی تنهادر و جلسات خود را ادامه داد در همانحال علاوه بر کارگران پتروگراد ملاحان سفائن جنگی روسیه نیز در برخی از نادر مهم دریای بالٹیک شورش کردند و سپاهیان هم که از واحی شمال برای فرونشاندن انقلاب احصار شده بودند بشورشیان پیوستند. تسار درینموقع از پابخت دور بود و بر اهلاب پتروگراد بدیده بی اعنائی مینگریست و زمانی اهمیت امر را دریافت که شورشیان زمام حکومت را بچنگ آورده بودند پس باچار از سلطنت کناره گرفت (۱۵ مارس) و برادر خود **عمراندولک میشل** را جانشین

۱ - Rasputine. ۲ - نام سن پترزبورغ را نیکلای دوم واسطه

آنکه رکت آلمانی داشت از آغار جنگ بین المللی تعبیر داده پتروگراد نهاده بود.

خویش خواند ، ولی پیش از قبول سلطنت خود داری نمود و حکومت انقلابی تزار را با زن و فرزندانش بشهر تسارسکوسلو^۱ در چهار فرسنگی پتروگراد فرستاده آنجا محبوس ساخت .

در همان حال دوما حکومتی موقتی تشکیل کرده ریاست آنرا بپرنس لفوف^۲ از توانگران مملکت سپرد . در آغاز امر گمان صرفت که آتش انقلاب روسیه بزودی فرو خواهد نشست و اوضاع آن مملکت با حکومت مشروطه جدید یا جمهوری بار دیگر بطریق عادی متوجه خواهد شد . لکن بزودی معلوم شد که ملت نادان ساده لوح روسیه چنان از مشقات جنگ و سختی معیشت پتک آمده است که بر طرز حکومت مملکت و قوانین اجتماعی پدیده بی اعتنائی مینگرد و او را جز صلح و آسایش و نجات از فحطی و تنگی معیشت بچیزی دلبنگی نیست .

حکومت موقتی روسیه بریاست لفوف دوامی نیافت و در ماه ژوئیه همانسال جوانی کرفسکی^۳ نام که در حکومت مزبور چندی وزیر عدلیه و جنگ بود حکومت موقتی جدیدی تشکیل کرد . لکن زمام حکومت فی الحقیقه در دست هیئت نمایندگان کارگران و سپاهیان که آنان را سوویت^۴ میگفتند بود و بهمین سبب کوشش کرفسکی در حفظ حکومت خویش و ادامه جنگ بجائی نرسید و چون متفقین هم مساعدت خود را از دریغ کردند سر انجام در ۷ نوامبر ۱۹۱۷ دوران حکومت او نیز پایان رسید و بولشویکها بر سر کار آمدند .

بولشویکی^۵ بر دسته کوچکی از سوسیالیستهای روسیه اطلاق میشد که معتقد بحکومت اشراکی و بین المللی مطلق بودند و میخواستند حکومت را از طبقات ممتازة و سرمایه دار طبقه کارگر انتقال دهند

Lvoff - ۲

Tzarskoe - Selo - ۱

Bolsheviki - ۵

Les Soviets - ۳

Kerenski - ۴

یکی از پیشوایان این دسته که اصلاً ولادیمیر ایلیچ اولیانف^۱ نام داشت ولی بنام ساختگی لنین^۲ معروف بود، از آغاز جنگ بین المللی سوئیس رفته در آنجا باشاعه^۳ مرام پرداخته بود پس از آنکه روسیه گرفتار انقلاب گشت لنین فرصت را غنیمت شمرده با مساعدت حکومت آلمان بهمراهی تنی دیگر از پیشوایان بولشویسم موسوم به تروتسکی^۴ بروسیه آمد و از پریشانی اوضاع استفاده کرده در میان کارگران و افراد سپاه بنشر عفاوند سیاسی و اجتماعی خویش پرداخت و در اندک مدتی نیروی جد و جهد طرفداران فراوان یافت و ازیشان بنام سپاه سرخ لشکری گرد آورد مردم روسیه هم چون از جنگ فرسوده و با حکومت کرنسکی که طرفدار ادامه جنگ بود مخالف بودند، چون لنین صلح را از حمله اصول مقاصد خویش میشمرد، هواخواه وی شدند و بالاخره چنانکه در سطور فوق اشاره کردیم، در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ در نتیجه انقلاب خونینی لنین و طرفداران وی بزور حکومت موقتی کرنسکی را برانداخته خود فرمانروای روسیه شدند.

جبهه شرقی بواسطه انقلابات داخلی روسیه تامامه^۵ ثون ۱۹۱۷ آرام بود. پس از آنکه کرنسکی در حکومت موقتی نفوذ از وزارت عدلیه بوزارت جنگ و بحریه منصوب شد، چون طرفدار ادامه جنگ بود، در صد برآمد که بار دیگر بر قوای آلمان و اطیش حمله برد. پس سپاهیان روس بفرماندهی بروسیلوف در چند نقطه از جبهه شرقی بر حمله های خصم ناخشنود و کرنسکی شخصاً در تشجیع ایشان زحمت بسیار کشید، ولی چون بواسطه تبلیغات سوء اشتراکیون بنیان انتظامات لشکری روسیه سخت متزلزل شده بود پیشرفت مهمی نکردند. پس از حمله قوای روس رئیس کل ارکان حرب آلمان مصمم شد که جمعی

از سپاهیان آلمان را از جبهه غربی به شرق فرستاده با حمله سختی کار روسیه را یکسره کنند و چون سپاه کافی در جبهه شرقی گرد آمد در ۱۹ ژوئیه فرمان حمله داد. قوای روسیه در شمال رودخانه نیستر^۱ و جنوب آن بین شهر تارنوپول^۲ و جبال کارپات بعثت اختلاف رایی که بین سرداران سپاه موجود بود سخت در هر شکست و در برخی نقاط قوای آلمانی قریب ۱۵۰ کیلومتر پیش رفتند. از اول ماه سپتامبر نیز سپاه هشتم آلمان بسرداری ژنرال ون هوتیه^۳ در ناحیه شمالی از رود دونائ^۴ گذشته سپاه روس را شکستی سخت داد و در سوم آنگاه شهر ریگارا تسخیر کرد. در اواسط ماه اکتبر هم قوای بحری آلمان جزایر ازل^۵ داگو^۶ رمون^۷ را بتصرف آوردند و از آن پس شهر پتروگراد پایتخت روسیه سخت در خطر افتاد.

در همان حال، چنانکه سابقاً گذشت، دوران حکومت کرنسکی نیز پایان رسید و لینین و ترنسکی بر سر کار آمدند. حکومت بولشویکی که صلح را از جمله اصول مرام خویش می شمرد در ۲۶ نوامبر رئیس کل ارکان حرب آلمان را بمبارکه جنگ دعوت کرد و از ۱۵ دسامبر در نتیجه موافقت طرفین آتش جنگ در جبهه شرقی خاموش شد. در ۲۲ دسامبر نمایندگان متحدین و روسیه برای مذاکره در شرایط صلح در شهر برست لیتوسک^۸ گرد آمدند ولی مذاکرات ایشان تا ماه فوریه سال ۱۹۱۸ بجائی نرسید. عاقبت هم چون از طرفی حکومت روسیه شرایط متحدین را تحمل ناپذیر می شمرد و از طرف دیگر دول مرکزی بر خلاف میل روسیه منفرداً با اوکرن^۹ صلح کرده بودند، نمایندگان روس بدون عقد معاهده از برست لیتوسک خارج

Hutier - ۳	Tarnopol - ۲	Dniester - ۱
Dagoe - ۴	Oesel - ۵	Duna - ۶
	Ukraine - ۷	Moos - ۸

شدند و تروتسکی که از جمله نمایندگان مزبور بود اظهار کرد که: « روسیه بتصدیق چنین معاهده‌ای تن نمیتواند داد ولی مادامه جنگ نیز مایل نیست و سیاهیان خود را مرخص خواهد کرد » ولی دولت آلمان برین اظهار وقعی ننهاد و قوای آلمان از روز ۱۸ فوریه باز شروع بحمله نموده از شمال و مشرق بجانب پتر گراد و مسکو و از جنوب بطرف دریای سیاه متوجه شدند و چون مانعی در پیش نبود باسانی قسمت مهمی از خاک روسیه را تصرف کردند، چنانکه دائرة پیشرفت ایشان از جنوب بشهر ادسا و شبه جزیره کریمه رسید.

پس از حمله قوای آلمان حکومت روسیه ناچار بار دیگر بصلح راضی شد و در سوم ماه مارس نمایندگان آن دولت مصالحه نامه‌ای را که بدو خواستار متحدین نوشته شده بود در شهر برست لیتوسک بی هیچگونه اعتراضی امضا کردند. بموجب مصالحه نامه مزبور گذشته از فنلاند و او کرن لهستان و لیتوانی و کورلاند و لیونی و استونی هم از روسیه منتزع گشت و دولت مزبور در آسیا نیز بلاد قارص و باطوم را بعثمانی تسلیم نمود و علاوه برین متعهد شد که مبلغ شش میلیارد مارک بعنوان غرامت پردازد.

پس از اینکه روسیه بادل مرکزی صلح کرد، دولت رومانی هم ناچار بصلح راضی شد و پس از متارکه موقتی که در ماه دسامبر ۱۹۱۷ صورت گرفت نمایندگان آن دولت در ۲۶ مارس ۱۹۱۸ مصالحه نامه قطعی را در شهر بخارست امضاء کردند.

بعد از معاهده برست لیتوسک و کناره گیری روسیه از منفقین باز انقلابات چندی در نواحی مختلفه آن مملکت روی داد و برخی از سرداران سابق روسیه مانند کالدین و کلچاک و یودنیچ و دنیکین و ورانگل

شهربك و دستياری متفقين بر ضد حكومت بولشويكي برخاستند، ولي همگي مغلوب سپاه سرخ شدند و كاري از پيش نبردند.

جنگهاي جبهه ايطاليا بيشتر در دو ناحيه بود، يكي در حوالی رودخانه ايزونزو^۱ در مشرق و ديگري از نواحی آلپ در شمال، ولي چون محاربه در كوهستان آلپ نيز دشوار بود جنگهاي مهم غالباً در حوالی رود ايزونزو روی میداد. از آغاز ورود ايطاليا بچنگ (۱۹۱۵م) تا پائيز ۱۹۱۷ غالباً قواي ايطاليا در حمله پيشدستی كردند ولي بواسطه پايداری سپاهيان اطريشی بيشرفت مؤثري نائل نيامدند و مقصود اساسی ایشان كه تصرف بندر تريست بود انجام نگرفت. در سال ۱۹۱۵ چهار چنگ بزرگ در حوالی ايزونزو روی داد و از آن جنگها بر طرفين خسارات بسيار رسيد. در ماه مارس ۱۹۱۶ نيز قواي ايطاليا برای اينكه از شدت حمله متحدين در ناحيه وردن بگهند بر سپاهيان اطريش حمله بردند، لکن از اين حمله نيز نتيجهای حاصل نشد. پس از آن در ماههای ژون و اوت آنسال هم جنگهاي سختی بين قواي طرفين در گرفت.

زمانی كه ژنرال نيول در ماه آوريل ۱۹۱۷ در جبهه غربی بر قواي آلمانی تاخت دولت ايطاليا نيز بار ديگر در ناحيه ايزونزو بر سپاهيان اطريش حمله برد و بانديك پيشرفتی نائل شد، ولي پس از آنكه دولت روسيه با متحدين از در صلح درآمد، دول مرکزی سپاه فراوانی بسرداری ونينو آلمانی و ژنرال كروس^۲ اطريشی بجهه ايطاليا فرستادند و از ۲۴ اكتوبر ۱۹۱۷ در ناحیه ايزونزو بحملات سخت پرداخته قواي ايطاليا را در اندك مدتی تا حوالی رود پياو^۳ عقب راندند و از سپاهيان آندولت قریب ۳۰۰۰۰۰ تن اسير گرفتند.

پس ازین شکست دولت ایتالیا بتجدید قوای لشکری پرداخت و بدینواسطه جنگ مهمی در جبهه ایتالیا روی داد. در ماه ژون ۱۹۱۸ دولت اطریش بار دیگر باقوای عظیمی بر لشکریان ایتالیا حمله برد، ولی چون درین زمان دولت ایتالیا بدستیاری سرداران فرانسوی قوای تازه‌ای فراهم کرده بود حکومت اطریش از آن حمله جز شکست نتیجه‌ای نگرفت. از ماه ژون ۱۹۱۸، چنانکه بعد خواهد آمد، قوای فرانسه و انگلیس و امریکا بفرماندهی مارشال قش سردار فرانسوی بر لشکریان آلمانی، که در خاک فرانسه پیشرفت فراوان کرده و بار دیگر خود را برودمارن رسانیده بودند، حمله بردند. ولی دولت ایتالیا نتوانست بلافاصله متفقین خویش را در حمله پیروی کند و تا ماه اکتبر از حمله بقوای اطریش خودداری کرد. از ۱۲ اکتبر سپاهیان آندولت با کمک دسته‌ای از قوای فرانسه و انگلیس و امریکا باز در نواحی ایزونزو و تیرل بر خندقهای اطریش تاختند، و چون در آن هنگام دولت اطریش هنگری در حال تجزیه و زوال بود و سپاهیان مجاری و لهستانی و غیره از اطاعت او امر سرداران سرپیچی میکردند، شکست در قوای اطریش افتاد و این شکست بمتار که جنگ اطریش و متفقین منتهی گشت (۴ نوامبر).

اوضاع سیاسی اروپا
حوادث سال ۱۹۱۷ اوضاع لشکری اروپا را یکبارگی
دگرگون ساخت. چه حلقه آهنینی که تا آن زمان
در سال ۱۹۱۷ دول مرکزی را از هر سو احاطه کرده بود با زوال

دولت روسیه و صلح رومانی درهم شکست و بدینواسطه قوای آلمان و اطریش در جبهه غربی بر قوای فرانسه و انگلستان برتری یافت. در اواخر پائیز ۱۹۱۷ دول مرکزی در جبهه ایتالیا نیز، چنانکه در سطور فوق اشاره کردیم، بغتوحات مهمی نائل شدند و در مقدمه هم حملات قوای متفقین را کاملاً دفع کردند. فقط در آسیای صغیر متحدانشان

شکستهای سخت یافته بود و لشکریان ترك علاوه بر ارمنستان بلاد مهمی مانند بغداد و بیت المقدس را نیز از دست داده بودند .

بنابراین وضع لشکری دول مرکزی در پایان سال ۱۹۱۷ چنان بود که باز آنها را بامید ظفر خوشدل میساخت . ولی درین زمان مانند آغاز جنگ تنها برتری قوای لشکری برای ظفر یافتن کافی نبود و وضع سیاست داخلی و خارجی دول نیز درین امر تأثیر فراوان داشت . درین زمان سیاسیون و اداره کنندگان ممالک فی الحقیقه بیش از سپاه بوطن خود خدمت میتوانستند کرد .

وضع سیاسی دول فرانسه و انگلیس با آنکه از خسارات جنگ سخت فرسوده بودند ، از چندین جهت بهتر از دول مرکزی بود . چه از طرفی با مستعمرات وسیع و حاصلخیز خود و با ممالک بیطرف مانند دول امریکای شمالی و جنوبی از طریق دریا رابطه داشتند و آذوقه و لوازم جنگ را با آسانی تهیه میکردند . از طرف دیگر زمام امور این دولت در دست مردان کار آزموده لایفی مانند لوئید جرج و کلماونسوا بود که دقیقه ای از تقویت احساسات ملی و برانگیختن مردم بجنگ و حفظ یگانگی و اتحاد احزاب و فرق مختلفه در برابر خصم غافل نمی نشینند .

دول مرکزی برخلاف ازهرسو محصور بودند و بدین واسطه هر چه جنگ دوام می یافت کارایشان از حیث آذوقه و مواد خام دشوار تر میگشت و بتدریج از غرور و اعتماد ملی کاسه میشد چنانکه در سنوات اخیر جنگ غالب مردم از فتح و ظفر نومید گشته بصاحبی که شرایط آن تحمل پذیر باشد خرسند بودند .

اوضاع داخلی اطریش هنکری در آغاز سال ۱۹۱۷ سخت مشوش بود و اختلافات ملی اقوام مختلفه آن ممالک از اقتدارات دولت

میگاست . به همین سبب دو آغاز سال ۱۹۱۷ شارل امپراطور جدید چور
اوضاع داخلی را بریشان و ادامه جنگ را زیان آوردید، نهائی بوسیله
برادرزن خود که در سپاه بلژیک خدمت میکرد ، مسیو پوانکاره رئیس
جمهور فرانسه را بصلح دعوت نمود . ولی ازین امر نتیجه ای نگرفت
و برخلاف دشمنان را از ضعف دولت خود آگاه و دوستان را نسبت
بخویشتن بدگمان ساخت .

در ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۷ نیز ریشتاك آلمان رسماً بصلح اظهار تمایل
کرد و این خود نشانی از ضعف دول مرکزی بود . ریشتاك میلداشت
که دول متخاصم بدون مطالبه هیچگونه غرامت جنگی و بی آنکه در
صدد تصرف اراضی یکدیگر برآیند صلح کنند و مصالحه نامه آنان
مبتنی بر صورت سیاسی و اقتصادی اروپا پیش از جنگ باشد .

چند روز پیش از آنکه ریشتاك تمایل خود را بصلح آشکار سازد
بتمان هولوک که با این امر مخالف بود از مقام صدر اعظمی کناره
گرفت و شخصی **میکائیلیس** نام جانشین وی شد ولی دوران صدر اعظمی او نیز
بعلت بی کفایتی زود پایان رسید و در اول نوامبر ۱۹۱۷ **گنت هرت لینگ**
رئیس الوزرای بلویر که از سیاسیون کار آزموده و باتجربه بود بدانمقام
منصوب گشت . هرت لینگ با آنکه در ریشتاك موافقین بسیار داشت بعلت
پیری و ناتوانی چنانکه باید از عهده اداره امور سیاسی آلمان بر نمی آمد و
طرز کار او با طرز کار ژرژ **کلمانسو** رئیس الوزرای فرانسه که در همان اواز
(۱۵ نوامبر ۱۹۱۷) بدانمقام منصوب شده بود کاملاً مخالفت داشت . ژرژ
کلمانسو پیری ۷۵ ساله بود، ولی در قوت نفس و اراده و کار در میان جوانان
نیز نظیروی کمتریافت میشد . اینمرد کار آزموده وطن پرست نیروی
کفایت در سخت ترین مواقع زمام امور دولتی فرانسه را بچنگ آورد

و هم خود را فقط بدان مصروف کرد که تمام قوای ملی و دولتی مملکت را در راه فتح و ظفر بکاربرد . عقیده وی این بود که فرانسه تا بفتح حقیقی نائل نشده است باید بچنگد و هر چه را که مانع اعمال این عقیده میدید بی ملاحظه از میان بر میداشت .

در سال ۱۹۱۷ پاپ نیز در صدد برآمد که متفقین و متحدین را آشتی دهد ، ولی به مقصود نرسید . بالاخره در هشتم ژانویه ۱۹۱۸ ویلسن رئیس جمهور ممالک متحده امریکا (مسائل چهارده گانه) خویش را که اساس صلح بود بگنگره امریکا اعلام کرد ، ولی چون تسلیم ایالات آلاس و لرن بفرانسه و اعطای استقلال لهستان و موضوعات دیگری مخالف میل و سیاست آلمان و اطیش از جمله مسائل مزبور بود ، دول مرکزی از قبول آن خودداری کردند .

در سال ۱۹۱۷ بر مشکلات داخلی دول مرکزی نیز روز بروز اضافه میشد . در اطیش هنگری مال مختلفه مجار و چک و اسلاو و لهستانی و سرب و غیره طالب استقلال بودند و مخالفتهای ایشان موجب ضعف دولت بود . در آلمان نیز آثار ناخوشیندی و نومیدی مشاهده میشد و در برخی از محافل سیاسی سخن از تغییر طرز حکومت در میان بود . در ماه آوریل ۱۹۱۷ صد هزار تن از کارگران برلن در کارخانههای اسلحه سازی و ادارات حمل و نقل دست از کار کشیدند و مقصود اصلی پیشوایان ایشان آن بود که دولت را بدرخواست صلح مجبور سازند . در میان افراد سپاه بری و بحری نیز علائم خستگی و ناگرانی از ادامه جنگ آشکار بود .

در انگلستان بر خلاف دولت کارگران را با سیاست خود همداستان ساخته حتی برخی از زعمای ایشان را وزارت داده بود . به همین سبب با آنکه در آن مملکت نیز چندین بار کارگران اعتصاب کردند در اداره امور دولتی و جنگی اختلالی روی نداد و اولیای امور باسانی

از طریق حزم و تدبیر کارگران را بکار خود باز گردانیدند.

جنگ در آسیا و مستعمرات

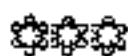
زمانیکه دول معظم اروپائی در دو جهت شرقی و غربی اروپا با یکدیگر در زد و خورد بودند آتش جنگ در برخی نقاط آسیا و مستعمرات نیز روشن بود. جنگهای آسیا بیشتر برای تسخیر بلاد و متصرفات مهم دشمن و تسلط یافتن بر مملک آسیائی اتفاق افتاد. در مستعمرات مختلفه دول هم با آنکه تعیین سرنوشت آنها بالاخره منوط به جنگهای اروپا بود محارباتی روی داد. زیرا طرفین میخواستند پیش از آنکه نتیجه جنگهای اروپا معلوم شود مستعمرات یکدیگر را بزور تصرف کنند. دول انگلیس و فرانسه مخصوصاً از آن بیم داشتند که دولت عثمانی مسلمین را برضد ایشان به جهاد برانگیزد. ولی این امر صورت نگرفت و مسلمانان مراکش و الجزیره و تونس و هندوستان و ترکستان و قفقاز و غیره با دول فرانسه و انگلیس و روس مخالفتی نکردند، بلکه برخلاف دولت انگلیس جمع کثیری از مسلمین هند را در محاربات آسیا برضد عثمانی بکار برد. از جمله جنگهای مهم آسیا یکی محاربات قفقاز و ارمنستانست که در سال ۱۹۱۴ و قسمتی از سال ۱۹۱۵ بین سپاهیان روس و عثمانی روی داد. در آغاز امر گاهی فتح نصیب قوای روس و گاه نصیب قوای عثمانی میشد ولی پس از آنکه گراندوک نیکلابفرو ماندهی کل قوای روس در قفقاز منصوب گشت، شکست در سپاه عثمانی افتاد و لشکر بان روس قسمتی از ارمنستان عثمانی را نیز بتصرف آورده بقصد یاری قوای انگلیس از شمال متوجهین النهرین شدند.

دولت انگلیس از آغاز جنگ میخواست شهر بغداد را که از لحاظ جنگی اهمیت بسیار داشت تسخیر کند. ولی این مقصود بواسطه گرمای

شدید بین‌النهرین و کمی آب و دفاع سخت قوای عثمانی آسان انجام نگرفت. در پائیز سال ۱۹۱۵ جنگ سختی بین سپاهیان عثمانی و قوای انگلیس که از جنوب تا حوالی بغداد پیش آمده بودند در نزدیکی آن شهر در گرفت و قوای انگلیس شکست یافته در **کوت‌الاماره** محصور شدند و بالاخره پس از پنجمه در ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ خود را بدشمن تسلیم کردند.

بعد از شکست کوت‌الاماره دولت انگلیس در صدد انتقام برآمد و در اواخر سال ۱۹۱۶ مجدداً سپاه فراوانی از هندی و انگلیسی برداری ژنرال مدیا مامور فتح بین‌النهرین ساخت و سپاه مزبور در ۲ فوریه ۱۹۱۷ کوت‌الاماره و در ۱۱ مارس بغداد را فتح کرده از ماه آوریل با قوای روس که از جانب شمال پیش می‌آمدند مربوط شد ولی ریشه این ارتباط در پائیز همانسال بواسطه انقلابات داخلی روسیه و عقب‌نشستن قوای روس مقطوع گشت.

پس از فتح بغداد ژنرال مدیا متوجه سامره شد و تا ۲۳ آوریل خود را بدان شهر رساند و قوای عثمانی با آنکه ژنرال فالکن هاین از آلمان بفرماندهی ایشان آمده بود کاری از پیش نبرده تا محل تکریم عقب‌نشستند.



دولت عثمانی از آغاز سال ۱۹۱۵ در صدد برآمد که تنگه سوئز را بتصرف آورده بخاک مصر حمله برد و رابطه انگلستان را با هندوستان و اقیانوسیه قطع کند. لکن صعوبت حمل و نقل اوازم جنگی و کمی آب آندولت را از فرستادن قوای کافی بدان ناحیه بازدارد و چون متفین بتنگه داردانل حمله بردند ناچار قسمتی از سپاهیان خود را از جبهه مصر احضار کرد.

تا سال ۱۹۱۷ محارباتی که در جبهه مصر روی داد اهمیت فوق العاده‌ای نداشت، ولی در سال مزبور طرفین بر شدت حملات خویش افزودند. از آغاز سال ۱۹۱۷ قوای انگلیس بقصد تصرف بیت المقدس متوجه فلسطین شدند. ولی بواسطه پایداری قوای عثمانی باین مقصود نائل نیامدند. در اواخر ژون ژنرال آلبنی^۱، که از سرداران کار آزموده انگلیس بود، بهرماندهی قوای مصر منصوب شد و با سیاه فراوانی از مردم هندوستان و استرالیا و افریقای جنوبی، با مساعدت کشتیهای جنگی انگلیس و فرانسه بر قوای ترک و آلمان و اطریش که فاکن هاین فرمانده ایشان بود، بسختی حمله برد و آنان را درهم شکسته در نهم دسامبر شهر بیت المقدس را فتح کرد.

در ماه دسامبر ۱۹۱۷ دول مرکزی پس از آنکه با روسیه صلح کردند بر مقدار قوای خود در فلسطین افزودند و ژنرال ون ساندرس را بجای فاکن هاین گماشتند. در بهار سال ۱۹۱۸ نیز قوای متفقین باز بر سپاه ترک حمله بردند. ولی پیشرفت مهمی نائل نشدند و چون حمله سخت آلمان در جبهه غربی آغاز شد طرفین ناگزیر قسمتی از قوای خود را بجبهه مزبور انتقال دادند. لیکن پس از آنکه حمله آلمان در فرانسه نتیجه‌ای نداد و سپاهیان آبدولت در برابر حملات سخت مارشال فوش، چنانکه حد خواهد آمد، عقب‌نشینی اختیار کردند. در جبهه فلسطین نیز شکست در قوای متحدین افتاد و لشکریان انگلیس بسختی بر قوای ترک حمله برده آنانرا منهزم ساختند و ژنرال ون ساندرس نیز چون در سپاه آلمانی خود که از سه هزار بمیگذشت برای مقاومت ندید ناچار عقب نشست. بالنتیجه در سی ام سپتامبر ۱۹۱۸ شهر دمشق و چند روز بعد از آن شهر حلب بقصد ژنرال آلبنی در آمد و قوای او با تکاء سفائن جنگی انگلیس

بسوی شمال متوجه شده و بقسطنطنیه نهادند . بالاخره درسی ام اکبر دولت
عثمانی درخواست صلح کرد و پس از دو هفته سفائن جنگی انگلیس و
فرانسه در بندر قسطنطنیه لنگر انداختند



چنانکه سابقاً اشاره کردم در مستعمرات نیز آتش جنگ روشن
بود . مستعمرات آلمان بواسطه دور بودن از آندولت ناچار با فوای
محدود خود با دشمن مصاف میدادند و همین سبب در اندک مدتی از پای
در آمدند. چنانکه بندر کیائوچو در ماه نوامبر ۱۹۱۴ بنصرف ژاپن در آمد
و در همان حال منفقین متصرفات آلمان را در اقیانوس کبیر نیز نآسانی
تسخیر کردند .

مستعمرات افریقائی آلمان نیز تدریجاً بنصرف فوای مستعمراتی
فرانسه و انگلیس در آمد و از آن جمله توگو و کامرون و مستعمره افریقای
غربی را دولت آلمان تا آغاز سال ۱۹۱۶ از دست داد . لیکن برخلاف در
افریقای شرقی سپاهیان آلمان بفرماندهی ژنرال لتووربک ، که از
سرداران جدی و کار آزموده بود ، تا پایان جنگ در برابر دشمن پایداری
کردند . این سردار وطن پرست در آغاز جنگ فقط با عده قلیلی آلمانی
و پنج هزار سپاهی مستعمراتی بادشمنان مصاف داد پس از آن نیز هیچگاه
جمع لشکر بان اواز ۱۳۰۰۰ تجاوز نکرد ، معیناً همیشه بر خصم غالب
بود و غالباً اسلحه و سایر لوازم جنگی را ، که سپاهیانش بدان احتیاج
فراوان داشتند ، بیرونی شجاعت از دشمن بخت می گرفت .

محاربات سال ۱۹۱۸

حلقه فوای آلمان	در سال ۱۹۱۸ باز دیگر صورت جنگ تغییر پذیرفت و
رساله ۱۹۱۸	طرفین باز جنگهای خنثی را ترک کرده مانند سال ۱۹۱۴
	طریق محاربات معموله سابق را که مستلزم حرکت

دائمی سپاه بود پیش گرفتند. لکن بین سپاهیان سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ از حیث سلاح و لوازم جنگی تفاوت بسیار بود و در جنگهای ۱۹۱۸ توپهای مسلسل سبک و توپهایی که با گلوله‌های گازدار پر میشد و توپهای سبکی که با حملات پیادگان مراققت میتوانست کرد، از جمله لوازم اصلی جنگ بشمار میرفت. علاوه برین در سال ۱۹۱۸ کارخانهای آلمان توپهای ساختند که تیررس آن قریب هجده فرسنگ (۱۲۰ کیلومتر) بود از سال ۱۹۱۷ نیز علمای آلمان گاز حقه کننده جدیدی اختراع کردند که چون نخست در ناحیه ایپر بکار رفت بگاز ایپریت معروف شد. این گاز در سوزندگی و هلاک کردن افراد سپاه بمراتب مؤثرتر از گازهای پیشین بود، ولی برخلاف آنها چون رنگ و بوی مخصوصی نداشت دشمن از وجود آن بزودی آگاه نمیشد. در همان حال گازهای دیگری هم که افراد سپاه راست و پیچس میکرد و همچنین خمپاره‌هایی که مه غیر طبیعی تولید می نمود اختراع شده بود و بدین واسطه افراد سپاه طرفین غالباً در هوای مسموم و تاریک می جنگیدند.



دولت آلمان از آغاز سال ۱۹۱۸ چون با روسیه و رومانی صلح کرده بود قسمت عمده قوای خویش را از جنبه شرقی بجنبه غربی انتقال داد و میزان قوای آندوات موقتاً بر قوای متفقین برتری گرفت. بنابراین موقع برای حمله سختی در جنبه غربی بر قوای فرانسه و انگلیس مساعد می نمود، و چون بیم آن بود که این فرصت بواسطه ورود سپاه عظیم دولت ممالک متحده امریکای شمالی با اروپا از دست رود، رئیس ارکان حرب کل آلمان مصمم شد که حتی الامکان زودتر در دشمنان حمله برد.

در این زمان فرماندهی قوای متحدین در جبهه غربی فقط با ژنرال لودندرف بود. ولی بر خلاف در فرانسه هنوز قوای انگلیس مطیع مارشال دو گلاس هایک و قوای فرانسه فرمانبردار ژنرال پن بودند و وحدت فرماندهی از لحاظ جنگی اهمیت و فائده بسیار داشت.

از اواخر دسامبر ۱۹۱۷ لودندرف شروع بتهیه وسائل حمله کرد و متجاوز از ۳۵۰۰۰۰ تن از سپاهیان آلمان را در سراسر جبهه غربی گرد آورد که همه باتویهای مسلسل سیک و سنگین و انواع بمبها و طیارهای جنگی بیشمار و توپهای فراوانی که عده آنها در هر کیلومتر بصد عرض میرسد مجهز بودند.

از کان حرب کسل آلمان ناحیه پیکاردی^۱ یعنی اراضی واقع بین شهرهای آرا و سن کانتین^۲ را برای حمله انتخاب کرده بود لودندرف میخواست بدینوسیله روابط قوای انگلیس و فرانسه را قطع کرده هر دو را از پای در آورد.

صبح روز ۲۱ مارس باران آهن و آتش و گازهای خفه کننده و سوزان بر سر قوای فرانسه و انگلیس در اراضی بین دورود اسکارپ^۳ و اواز^۴ باریدن گرفت و چند ساعت بعد پیادگان آلمانی سختی بر خندقهای دشمن حمله بردند. در ناحیه شمال حملات ایشان تا حدی با پایداری قسمتی از قوای انگلیس مواجه شد، ولی قسمت دیگر از سپاهیان آندوات در ناحیه جنوبی مقابل سن کانتین با حمله سخت لشکر بان آلمانی که ون هوتیه^۵ فرمانده ایشان بود تا مقاومت نامورده منهدم شدند و چنانکه لودندرف امیدوار بود اراضی وسیعی بین قوای انگلیس و فرانسه بتصرف آلمان در آمد و راه بلاد آمین و پاریس بر ایشان باز گشت. در همان حال سرداران آلمانی برای آنکه دشمن را مرعوبتر کنند باتویهای مرموز

۱ - Scarpe

۲ - Saint-Quentin

۳ - Picardie

۴ - Von Hutier

۵ - Oise

جدید الاختراع خود که تیررس آن قریب ۱۸ فرسنگ بود پاریس را گلوله باران کردند

تا آن زمان هیچگاه وضع سپاه متفقین بدان سختی نشده بود، معینا ژنرال پنن از ۴ مارس تا حدی از پیشرفت سریع دشمن در ناحیه رود اواز جلوگیری کرد و در همان حال نیز دول فراسه و انگلیس بهزوم وحدت فرماندهی کل سپاه پی برده ژنرال فیش را در سوم آوریل بفرماندهی کل سپاه متفقین در جبهه غربی برگزیدند

لشکریان آلمان در طرف ده روز قریب به فرسنگ (۶۰ کیلومتر) پیش آمده و یک سپاه انگلیس را بتمامی درهم شکسته قریب ۹۰۰۰۰ اسیر و مقدار کبیری غنائم جنگ آورده بودند علاوه برین ملا با پوم اوپرن و نواین و هن دیدیه نیز بدست ایشان افتاده بود

پس از جنگ بیکار دی سپاهیان آلمان در حوالی رودلی نیز بر قوای انگلیس حمله کردند (۹ آوریل) و منظور ایشان تصرف بتادرتنگه پادوگاله بود لکن با ایسکه درین ناحیه نیز سپاه انگلیس نکلی از پای درآمد. پیش از سه فرسنگ (۲۰ کیلومتر) پیشرفت نکردند و گرفتار جمعی اسیر و مقداری غنائم جنگی فزانت نمودند.

منظور اصلی فرمانده کل قوای آلمان از حملات دو گانه سابق الذکر از میان برداشتن قوای انگلیس بود و چون در جنگهای مذکور بواسطه کمکی که از طرف فرانسویان بسپاه انگلیس رسید این مقصود کساملانجام نگرفت. در صدد سرآمد که نخست از جانب رودان در مغرب شهر رفس ناگهان در سپاه فراسه حمله برد و پاریس را تهدید کرد و چون فرانسویان در آن ناحیه سرگرم دفاع شد بار دیگر در اراضی فلاندر بر قوای انگلیس تاخته منظور اصلی خویش را انجام دهد. پس در ۲۶ مه سپاه هفتم آلمان سرداری

ون بوهن^۱ و سپاه اول سرداری فریتزون بنو بین شهرهای سوآسن^۲ و ونس
 بر قوای فرانسه بسختی حمله بردند و تاسی ام آ نماه باز قریب هنت فرسنگ
 ونیم (۵۵ کیلومتر) در خاک فرانسه پیشرفته ۵۰۰۰ اسیر و مقدار کتیری
 توپ و طیاره و اسلحه و آذوقه بغنیمت گرفتند و کنار رود مارن در ده فرسنگی
 (۶۵ کیلومتری) پاریس توقف کردند

در ۹ ژون لودندرف ناز در اراضی بین من شیدیه و او از بر قوای
 فرانسه حمله برد تا جناح غربی سپاه خود را از خطری که بدان متوجه
 بود محفوظ دارد ولی این بار از حمله خود نتیجه نگرفت و با مقاومت
 سخت فرانسویان مواجه شد .

لودندرف با آنکه در حمله اخیر خود بمقصد فرسیده و در
 فتح قطعی خویش اطمینان داشت منفقین نیز از فتوحات
 بیابنی دشمن پریشان حال بودند . مع هذا اولیای امور فرانسه
 وانگلیس بومید نشدند و ثبات عزم ایشان در ادامه جنگ
 سستی نگرفت . کلمانسو رئیس الوزرای پسر فرانسه در همین زمان علناً
 اظهار کرد که «سیاست داخلی و خارجی من جنگست اگر روسیه بنا
 خیانت کرده است باز من خواهم جنگید و اگر رومانی ناگزیر بصاح
 انفرادی تن داده است دست از جنگ نخواهم کشید . اگر دشمن قوای
 فرانسه را تا جبال پیرنه نیز عقب راند جنگ خواهم کرد و تا آخرین ساعت
 روی از جنگ بر نخواهم تافت . چه میدانم که در آخرین ساعت فتح
 نصیب ما خواهد بود .»

دولت انگلیس هم در آنده زمانه خساراتی را که در ماه ژون
 از حیث سپاه و اسلحه بدور رسیده بود جبران کرد و قریب يك میلیون سپاهی
 جدید بفرانسه فرستاد . معالک متحده امریکا نیز در فرستادن لشکریان
 خود بارویا شتاب کردند ، چنانکه تا اول ماه ژویه جمع سپاهیان ایشان
 در فرانسه به ۶۵۰۰۰۰ رسید .

درینموقع فرمانده کل سپاه آلمان در صدد بود که باز با سپاه مهمی در ناحیه فلاندر بر قوای انگلیس حمله برد و با تسخیر بنادر تنگه یادو کاله دولت مزبور را بکلی از عرصه کارزار خارج سازد . ولی برای سرگرم داشتن قوای فرانسه نخست مصمم شد که در جبهه رنس بردشمن حمله کند . درین قصد لودندرف نیز عیناً با شتابهون کلوک ، در سال ۱۹۱۴ ، دچار شد و گمان اینکه دشمن تمام قوای خود را فقط در دفع حملات سپاه آلمان بکار می برد ، از قصد پنهانی و حمله ناگهانی او غافل نشست . به همین سبب پس از آنکه قوای آلمان در ۱ ژوئیه بر خندقهای خصم حمله بردند پیشرفت قابلی نائل نشدند و از جانب چپ هم در ناحیه شامپانی سپاه چهارم فرانسه از پیشرفت ایشان جلوگیری کرد .

در ۱۸ ژوئیه نیز ماگهان سپاهیان فرانسه از جانب جنکل وسیع ویلر کوتره ابرجناح راست قوای آلمان تاخند و بدستگیری تانکهای بسیار که عده آن قریب ۵۰۰ عراده بود لشکریان آلمان را سخت در هم شکسته تا عقب رودخانههای آن ووسل عقب را اندند و متجاوز از ۳۰۰۰ اسیر و ۷۰۰ توپ بغنیمت گرفته شهر سواسن را نیز تصرف آوردند . علت این شکست که بقول سرداران آلمانی بجنگ سواسن و بقول فرانسویان بفتح دوم مارن معروفست همان غفلت لودندرف از قصد پنهانی دشمن بود . ژنرال فیش و ژنرال پتن از آغاز ماه ژون در پناه جنگل ویلر کوتره بتجهیز سپاه پرداخته خود را برای حمله سختی ابرجناح راست قوای آلمان در ناحیه مارن مهیا کرده بودند و بواسطه مهارتی که در انجام این امر بکار برفته بود دشمن تا آغاز ماه ژوئیه بکلی از قصد ایشان غافل ماند .

پس از جنگ سواسن ژنرال فیش برخلاف گمان سرداران آلمانی

حملات خود را در نقاط مختلفه جبهه غربی دنبال کرد و مخصوصاً در جلسه‌ای که از سرداران سپاه متفقین تشکیل شده بود (۲۴ ژوئیه) در ضمن بیان عقاید و تشریح نقشه‌های جنگی خود اظهار کرد که بواسطه مهیا بودن سپاهیان امریکا و برتری متفقین بر دشمن از حیث لوازم جنگ و قوای احتیاطی و طیاره و تانک و غیره باید حالت دفاعی را ترک گفته از هر سو بر دشمن حمله برد. ولی این حملات نخست باید در نقاط مختلفه با سرعت انجام گیرد تا حریف را مجال استراحت و تجدید قوی نماید. سپس چون قوای خصم بواسطه اینگونه حملات ضعیف شد، بایستی در سراسر جبهه غربی بروی حمله کرده او را از پای در آورد.

در هفتم ماه اوت ژنرال فوش پاداش فتح دوم مارن برتبه مارشالی مفتخر شد و یکروز بعد دودسته سپاه انگلیسی و فرانسوی در ناحیه بیکاردی بسختی بر خندقهای دشمن تاختند و چون حمله ایشان باز ناگهانی بود لشکریان آلمان شکست یافته تا ۲۶ اوت قریب ۱۸ فرسنگ (۱۲۰ کیلو متر) عقب نشستند و آنچه را که پنجمه پیش از آن در حمله ۲۱ مارس از فرانسه گرفته بودند از دست دادند. در حمله بیکاردی بقوای آلمان خسارات بسیار رسید و از آنجمه ۱۵۰۰۰۰ آلمانی اسیر شدند.

پس از شکست بیکاردی برهیندنبرگ و لودندرف مسلم شد که از آنپس ادامه جنگ برای دول مرکزی زیان آورست. پس دوات آلمان در صدد برآمد که بواسطه ملکه هلند از متفقین درخواست صلح کند. در نیمه اول ماه سپتامبر باز مارشال فوش بین رودخانه‌های آن و اواز بر قوای آلمان حمله برد و سپاهیان امریکائی نیز در جنوب و ردن بسر داری ژنرال پرشینگ^۱ فرمانده کل قوای امریکا قسمتی را که از سال ۱۹۱۴ در تصرف آلمان بود باز گرفتند (۱۲ سپتامبر). سپس از ۲۶ سپتامبر مارشال فوش چون موقع را مناسب و دشمن را کاملاً ضعیف دید،

چنانکه سابقاً اشاره کردیم در سراسر جبهه غربی بحملات سخت پرداخت و تا ۱۳ اکتبر بلاسین کانتون و کامبره و لان را از دشمن باز گرفت. در همین حال متحدین آلمان یکایک از پای درآمدند. چنانکه در اواسط سپتامبر دولت بلغارستان از سپاه متفقین در مقدونیه شکستی سخت یافت و در ۲۹ آنگاه ناچار در سالونیک با ایشان صلح کرد. لشکریان توك را نیز، چنانکه سابقاً گذشت، در ۱۸ سپتامبر ژنرال آلبنی درهم شکسته منهزم کرد و بلاد دمشق و حلب را بتصرف آورد و دولت عثمانی هم ناچار با متفقین از در صلح درآمد (۳۰ اکتبر).

قوای آلمان روز بروز ضعیف میشد و در هر شکست مقدار کثیری از افراد سپاه و لوازم جنگی، آن میکاست و با آنکه رئیس کل قوای آندوات مشمولین سال ۱۸۹۹ را نیز بجبهه جنگ فرستاده بود باز بقوای احتیاطی احتیاج کامل داشت. به همین سبب هیندنبرگ در اواخر ماه سپتامبر بدولت امپراطوری پیشنهاد کرد که مستقیماً با خصم در باب صلح بمذاکره پردازد و مسائل چهارده گانه ویلسن را بپذیرد و در بنجر اکتبر حکومت آلمان رسماً با رئیس جمهور امریکا بمذاکرات صلح پرداخت.

درین حال قوای متفقین بیابی بردشمن حمله میکردند و سپاهیان آلمان تدریجاً در خاک فرانسه عقب می نشستند. مارشال فوش برای اینکه بتواند از قفایر قسمت عمده قوای آلمان حمله برد مصمم شد که از روز ۱۴ نوامبر در خاک لرن از دو سوی قلعه هس بر خندقهای خصم تازد. ولی این امر بواسطه ختم جنگ صورت نگرفت. آخرین حمله شدید متفقین از شب ۲۲ اکتبر در ناحیه فلاندر آغاز شد و بزودی سراسر جبهه غربی را فرا گرفت. قوای آلمان با آنکه درین جنگ شجاعت و جانفشانی بسیار نمودند عاقبت باز ناچار عقب نشستند و تا یازدهم نوامبر

بلاد **سگان** و **مونس**^۱ و **مزیر** و **سدان** بدست متفقین افتاد . در همان حال رئیس کابل قوای آلمان از مارشال فوش متارکه جنگ را خواستار شد و چون فوش از جانب متفقین اختیار تام داشت شرائط سنگین صلح را صبح روز شنبه نهم نوامبر در محل رتند واقع در جنگل **اسکل**^۲ بنمایندگان آلمان اطلاع داد ، ولی چون در همانروز دسته ای از سوسیالیستهای آلمان در شهر برلن سر بشورش برداشته و حکومت امپراطوری را منقرض ساخته حکومتی موقتی تشکیل کرده بودند امضای قرار داد متارکه جنگ تا روز دوشنبه ۱۱ نوامبر بتاخیر افتاد و در ساعت یازده آنروز آتش جنگ در سراسر جبهه غربی خاموش گشت

پس از **مرك** فرانسوا ژرف (۲۱ نوامبر ۱۹۱۶) و جلوس **شارل اول** روز بروز دائرة اختلافات ملی داخلی وسیعتر اطریش **هنگری** میشد و ممال مختلفه امپراطوری اطریش در تحصیل آزادی و استقلال حرجتر و گوشاتر میشدند . پس از آنکه قوای اطریش در حمله خویش ب **بخاک** ایتالیا (ژون ۱۹۱۸) از سپاهیان آن دولت شکست یافت و در مقدونیه نیز دولت بلغارستان از پای درآمد . **شارل** بهوم مال مختلفه مملکت وعده استقلال داخلی داد (۱۶ اکتبر) و بامتفقین از در صلح جوئی در آمد . ولی این اقدام در اوضاع پربشان مملکت تاثیری نکرد . چه از چندی پیش از آن اسلاوهای شمال و جنوب و مردم لهستان سر از اطاعت حکومتهای وین و بوداپست پیچیده خود را مستقل خوانده بودند و در روز چهارم نوامبر که قرار داد **منارکه** جنگ بین اطریش **هنگری** و متفقین در شهر **پادو**^۳ (از بلاد ایتالیا در ایالت ونسی) بامضاء رسید . سلطنت خاندان **هابسبورک** فی الحقیقه منقرض شده بود . اسلاو های جنوبی ساکن

ایالت اسلاونی و کرواسی بصرستان پیوستند و چکها و اسلاوهای شمالی نیز خود را مستقل شمردند. ترانتن و تریست هم بتصرف ایتالیا در آمد و چون در شهرهای وین و بوداپست حکومتهای انقلابی بر سر کار آمده بودند شارل اول ناچار در ۱۲ نوامبر از سلطنت اطریش هنگری کناره گرفته بسویس پناهنده شد.

انقلاب در آلمان با آنکه بنیان وحدت ملی سخت استوار بود شکست موجب انقلاب گردید. ویلهلم دوم پس از آنکه قوای آلمان را در برابر متفقین ضعیف دید و اوضاع داخلی را بواسطه قدرت یافتن مخالفین حکومت و کمی آذوقه و ناخرسندی مردم سخت پریشان یافت، ناچار برای جلب قلوب مخالفان حکومت ملی آزادی بریاست پرنس ماکس دو باد^۱ تشکیل کرد. حکومت جدید نیز بنابر تأکید مخصوص هیندنبورک و لودندرف، چنانکه سابقاً اشاره کردیم، مستقیماً از رئیس جمهور ممالک متحده امریکا درخواست صلح نمود. متفقین بحکومت آلمان جواب دادند که شرایط صلح را سرداران سپاه ایشان تعیین خواهند کرد. مارشال فوش نیز تازمانی که نمایندگان آلمان تمام شرایط سنگین صلح را نپذیرفتند دست از جنگ نکشید.

درین هنگام کاخ حکومت امپراطوری در سراسر آلمان و از گون شده بود و بتحریک دسته‌ای از سوسیالیستهای آن مملکت جمعی از افراد سپاه و ملاحان در بنادر کیل^۲ و ویلهلمسهافن^۳ و غیره نافرمانی آغاز کرده، در ممالک باویروهس و ساکس نیز سوسیالیستها بحکومت جمهوری را اعلام نموده بودند. درنهم نوامبر شهر برلن نیز دچار انقلابی سخت گردید و سوسیالیستها بحکومت ماکس دو باد را برانداخته

ابرت نام از وکلای سوسیالیست مجلس را که از دباغی بوکالت رسیده بود بجای وی برگزیدند و حکومت جمهوری را اعلان کردند. ابرت نیز بی درنگ ملت را بابت انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان دعوت کرد و ویلهم دوم که در اسپانیا (از بلاد بلژیک) مکزیک از کان حرب کل سپاه خود بود، ناچار از امپراطوری استعفا کرده بخاک هاندها پناهنده شد (۹ نوامبر). شرایط قرارداد متارکه جنگ در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ امضاء گردید بقرار ذیل بود :

۱- تخلیه اراضی فرانسه و بلژیک و آلتزاس و لورن در ظرف پانزده روز . ۲- تخلیه اراضی ساحل چپ رود رن و تسلیم آن بقوای متفقین در ظرف یکماه . ۳- تسلیم ۵۰۰۰ توپ و ۲۵۰۰۰ توپ مسلسل و ۱۷۰۰۰ طیاره و ۱۵۰۰۰۰ واگن و ۵۰۰۰۰ محرك ماشين بخار (لوکوموتیو) و ۵۰۰۰ اتومبیل بارکش و تمام تحت البحرهای آلمان باده کشتی ذره پوش و هشت کروازر و پنجاه کشتی سریع السیر (دسترویر) ^۳ بمتفقین .

۴- باطل شمردن معاهدات برست لیتوسک و بخارست و تخلیه اراضی رومانی و روسیه از سپاه آلمان و اطیش . ۵- استرداد اسیران و محبوسین و مقصران جنگی متفقین بدون معامله بمثل از جانب ایشان . ۶- ادامه محاصره ببری و بحری آلمان و موکول بودن ورود آذوقه بدان مملکت بشخص و اجازه متفقین .

در نتیجه قرار داد مذکور قوای فرانسه در ۱۷ نوامبر ایالات آلتزاس و لورن را پس از ۴۸ سال مجدداً بتصرف آوردند .

صلح و نتایج جنگ

پس از قرار داد متارکه ۱۱ نوامبر متفقین بر آن شدند که برای تهیه و تنظیم معاهدات صلح با دول آلمان و اطیش و هنگری و باخارستان و عثمانی مجلسی ترتیب دهند و مجلس صلح

مربور که بکنفرانس صلح معروفست در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹ بریاست ژرژ کلمانسو رئیس الوزرای فرانسه مفتوح گردید .
کنفرانس صلح ، که مرکب از نمایندگان ۲۷ دولت از دول امریکا و اروپا و افریقا و اقیانوسیه بود ، در جلسات عمومی خود پنجاه هیئت کوچکتر برای دقت و مطالعه در مسائل مربوط بصلح تعیین کرد ، لکن اختیار کنفرانس فی الحقیقه در دست نمایندگان ده دولتی که مستقیماً بر ضد آلمان بیچک پرداخته بودند و خصوصاً بانمایندگان دول چهارگانه انگلیس و فرانسه و ممالک متحده امریکا و ایتالیا (للویدجرج ، کلمانسو ، ویلسن و ارلاندوا) بود . نمایندگان متحدین یعنی آلمان و اطس ریش و هنگری و بلغارستان و عثمانی در کنفرانس شرکت نداشتند و فقط کنفرانس نمایندگان هر یک از دول مزبور زاد در خارج از آراء و تصمیمات خود آگاه میساخت .

چنانکه سابقاً نیز اشاره کردیم و در ویلسن رئیس جمهور ممالک متحده امریکا چهارده مسئله مهم سیاسی را که اساس صلح می پنداشت در چهارده ماده رسماً بکنکرة امریکا ابلاغ کرده بود (هشتم ژانویه ۱۹۱۸) متنفین و متحدین نیز هنگام منار که جنک متعهد شده بودند که مواد چهارده گانه مزبور را اساس صلح قرار دهند و مضمون آن مواد بقرار ذیلست :

- ۱- عقد معاهدات صلح بطور آشکار و ممنوع داشتن معاهدات سری .
- ۲- آزاد کردن بحر پیمائی در تمام دریاها برای عموم ملل . (متنفین فقط از قبول این ماده بنا بر درخواست دولت انگلیس خودداری کردند) .
- ۳- کوشش در رفع موانع و مشکلات اقتصادی ، و رعایت مساوات و آزادی عموم ملل در تجارت بین المللی .

۴- محدود ساختن تجهیزات و قوای جنگی دول بحد اقل احتیاج هر يك .

۵- حل اختلافات مستعمراتی با رعایت بیطرفی و حفظ مصالح ملل بومی و با توجه بدعاوی منصفانه دول ذینفع

۶- تخلیه اراضی روسیه و آزاد نهادن مردم آن مملکت در اختیار هر گونه حکومتی که برای تأمین استقلال سیاسی و ملی خویش مفید شمارند.

۷- تخلیه اراضی بلژیک و اعاده استقلال و سلطنت آن سرزمین و جبران خساراتی که بدان مملکت رسیده است .

۸- تخلیه اراضی فرانسه و جبران خساراتی که بدان اراضی است رسیده و تسلیم ایالات آلزاس و لورن بدولت مزبور .

۹- اصلاح سرحدات ایتالیا با رعایت سوابق تاریخی مردم ایالات سرحدی .

۱۰- تضمین استقلال ملل مختلفه دولت امپراطوری اطریش هنگری.

۱۱- تخلیه اراضی رومانی و صربستان و موننگرو و جبران خساراتی که با اراضی مزبور رسیده و تعیین حدود صربستان بفسمی که آندولت را بدریادسترسی باشد .

۱۲- تضمین استقلال ملل مختلفه امپراطوری عثمانی و آزاد نهادن تنگه دardanل برای عبور سفائن عموم دول .

۱۳- تأسیس دولت مستقل لهستان از اراضی لهستانی نشین و تعیین راهی برای آندولت بدریای بالتیک .

۱۴- تأسیس مجمع اتفاق عمومی بین المللی برای تضمین استقلال سیاسی و ارضی دول کوچک و بزرگ عالم.

مجمع اتفاق منفقین بنا بر ماده چهاردهم از مواد چهارده گانه ویلسن پیش از تنظیم شرایط صلح بتهیه اساسنامه مجمع اتفاق ملل پرداختند
ملل
و اساسنامه مزبور را کنفرانس صلح در ۲۸ آوریل.

۱۹۱۹ تصویب کرد .

موضوع اساسنامه مجمع اتفاق ملل تمام دولی که در کنفرانس صلح شرکت داشتند و همچنین دول بیطرفی که تا موعد معینی درخواست عضویت کردند، عضو اصلی، به جمع محسوب شدند، ولی قبول آلمان و سایر دول موکول بدان شد که دوئلث از اعضاء اصلی باورود آنها موافقت نمایند. مرکز مجمع را نیز برخلاف میل دول بلژیک و فرانسه در شهر ژنو از بلا نوسیس معین کردند و مقرر شد که وظائف مجمع بتوسط هیئت های مختلف ذیل انجام گیرد:

اول هیئت نمایندگان عموم دولی که عضو مجمهند. دوم شورائی از نمایندگان نه گانه دول معظم انگلیس و امریکا و فرانسه و ژاپون و ایتالیا و چهار دولت دیگری که هیئت عمومی نمایندگان تعیین کند.

سوم دیوانی دائمی بعنوان دیوان عدالت بین المللی. چهارم شعب مخصوص متعددی که بانظارت مجمع بامور مختلفه بین المللی رسیدگی کند. وظائف مجمع حفظ صلح و اجرای معاهدات و مطالعه در مقررات حقوق بین المللی از طریق حکمیت یا بوسیله احکام مخصوص است. اعضاء مجمع متعهدند که استقلال سیاسی و ارضی یکدیگر را محترم شمارند و از قوای جنگی خویش را تا حد اقل احتیاج خود بکاهند و هرگاه بین ایشان اختلافی روی دهد. موضوع اختلاف را بحکمیت رجوع کنند و از اقدام بجنگ پرهیز نمایند. هرگاه دولتی از دول عضو مجمع برخلاف تعهد خویش با دولت دیگری بجنگ پردازد، اعضاء مجمع همگی موظفند که روابط تجارتهی و مالی خود را با آن دولت قطع کنند و هرگاه مجمع برای حفظ مقررات اساسنامه خود بتجهیز سپاهی محتاج شود با او در این امر مساعدت نمایند.

اساسنامه مجمع اتفاق ملل با میل مردم اروپا که از جنگ

فرسوده بودند ، چنانکه باید موافقت نمیکرد ، چه از طرفی اقدام بچنگ را کاملاً ممنوع نموده و دول عالم را بتجدید قوای جنگی خویش ملزم نساخته بود ، و از طرف دیگر برای انجام مقاصد و اجرای مقررات خود فی الحقیقه هیچگونه قوه مؤثری را اختیار نداشت . بهمین سبب پس از آنکه ویلسن با آمریکا باز گفت و تصویب اساسنامه مجمع را از کنگره ممالک متحده خواستار شد مجلس سنا از تصدیق آن خود داری نمود و کرسی نمایندگان امریکا در مجمع از جلسه نخستین خالی ماند .

قرارداد
صاحب ورسای

پس از آنکه مجمع انفاق ملل تأسیس شود و بنا بر اساسنامه خود از حدود چنگ جلوگیری کند ، متفقین در صدد برآمدند که بوسائل گوناگون از قدرت آلمان بکاهند ، چنانکه آندولت را با ایشان یاری همسری نماید دولت فرانسه مایل بود که اراضی ساحل رود رن از آلمان منتزع شود و با نظارت مجمع انفاق مال مسنعل گردد . ولی لذوید جرج و ویلسن چون میدانستند که فرانسه بر اراضی مزبور چشم طمع دارد با منظور آندولت موافقت نکردند و فقط مقرر شد که اراضی ساحل چپ رود رن تا پایان ده سال در تصرف قوای متفقین بماند و هر پنجسال یکبار ، اگر دولت آلمان کاملاً بتعهدات خود وفا کرد ، قسمتی از آنها تخلیه کنند

پس از آنکه مجلس ملی آلمان در شهر ویمار با شرایط سنگین صلح موافقت کرد ، نمایندگان آن دولت در ۲۸ ژون ۱۹۱۹ ، یعنی درست پنجسال پس از قتل ولیمهد اطریش در سراپو ، قرار داد صلح را در قصر ورسای ، همان قصری که در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۱ ویلهلم اول در آنجا با امپراطوری کل آلمان رسیده بود ، امضاء کردند .

قرارداد صلح مرکب از ۴ ماده بود . بموجب این قرارداد
 اولاً دولت آلمان متعهد شد که قانون خدمت سپاه اجباری را در مملکت
 باطل شمارد و عده سپاهیان خود را بصد هزار تن محدود کند . ثانیاً
 ایالات آلزاس و لرن را بفرانسه و ناحیه مورمنه را ببلژیک و قسمت لهستانی
 نشین پروس را بلهستان سپارد . در باب اراضی شلسویک و اوپن و مالمدی
 (در ایالت رن) و سیلزی علیا و قسمت جنوبی پروس شرقی نیز مقرر شده
 بود که بآراء عمومی مراجعه شود . ثالثاً دو قسمت از اراضی آلمان نیز
 با شرایط مخصوصی از آن مملکت مجزا شد ، یکی بندر دانزیک در
 مشرق که بدان عنوان شهر آزاد داده اند و فی الحقیقه بندر تجارتی لهستان و
 و وسیله ارتباط آن مملکت بادیای بالنیک است . دیگری ناحیه سار
 در مغرب که حکومت آن تا مدت پانزده سال بمجمع اتفاق ملل سپرده شده
 است و در پایان این مدت بنا بر آراء عمومی مردم آن سرزمین یا بحالت
 فعی باز خواهد ماند و یا مجدداً بدولت آلمان خواهد پیوست . ولی
 معادن زغال سنگ این ناحیه در عوض خساراتی که از لشکر کشی آلمان
 بمعادن ایالات شمالی فرانسه رسیده است آبدولت تسلیم شده و فقط
 بآلمان اجازه داده اند که ، هر گاه پس از پانزده سال سرزمین سار باندان
 مملکت پیوست ، معادن مزبور را از فرانسه بخرد .

در خارج اروپا نیز آلمان از تمام مستعمرات خود چشم پوشید و
 دول فرانسه و انگلیس و ژاپن مستعمرات مزبور را میان خود تقسیم
 کردند . علاوه برین جمله دولت آلمان منعقد شد خساراتی را که از
 سپاه او بر مردم بلژیک و ایالات شمالی فرانسه رسیده و همچنین مبالغی
 را که متفقین بعنوان وظیفه برای مجروحین یا بازماندگان مقتولین
 جنگ معین کرده اند ، بتشخیص ایشان پردازد ، متفقین نیز ازین بابت

۱۳۲ میلیارد مارك طلا از آلمان مطالبه کردند و مقرر شد که دولت مزبور مبلغ بیست میلیارد مارك تا اول ماه مه ۱۹۲۱ نقداً پرداخته بقیه را بحد درج تأدیه کند. پنجاه و دو درصد از جمع غرامات جنگ یعنی ۶۸ میلیارد مارك سهم دولت فرانسه است.

گذشته از تعهدات سابق الذکر دولت آلمان ناگزیر بود که قسمت اعظم سفائن جنگی و تجارتي و تمام سبمهای تلگرافنی تحت البحری و طیارات و زینلینهای جنگی خویش را بمنفقین سپارد و ویلهلم دوم را با سایر سرداران که دشمنان مسئول جنگ میشماردند در محاکم خاصی محاکمه کند. در خصوص تسلیم سفاین و طیارات و غیره دولت آلمان چندی از اجزای مقررات صاحب بهانههای گوناگون خودداری کرد و حتی ملاحان دسته‌ای از سفائن آلمانی بفرماندهی ونروتر برای اینکه کشتیهای وطن ایشان بدست دشمنان نیفتد، خود را با تمام سفائن مزبور غرق کردند. ولی عاقبت دولت آلمان ناگزیر با طاعت و مقررات صلح آن داد. محاکمه ویلهلم دوم بواسطه آنکه دولت هلند بتسلیم وی اراضی نسد صورت نگرفت سایر مقصرین را نیز دولت آلمان خود محاکمه و تبرئه کرد.

قراردادهای
دیگر
گذشته از قرارداد ورسای متفقین معاهدات دیگری نیز در باب صلح بادشمنان خود منعقد ساختند که معاهدات سن ژرمن^۱ (باطریش در دهم سپتامبر ۱۹۱۹) و نویی^۲ (با بلغارستان در ۲۷ نوامبر ۱۹۱۹) و تریانن^۳ (اهنگری در چهارم ژون ۱۹۲۰) و سور^۴ (با عثمانی در ۱۱ اوت ۱۹۲۰) از آن جمله است.

بموجب معاهدات سن ژرمن و تریانن دولت امپراطوری اطریش تجزیه شد. از ایالات آلمانی نشین آن مملکت دولت جمهوری اطریش پدید آمد که در آغاز امر میخواست بدولت آلمان پیوندد، ولی منفقین

۳ - Neuilly.

۲ - Saint . Germain .

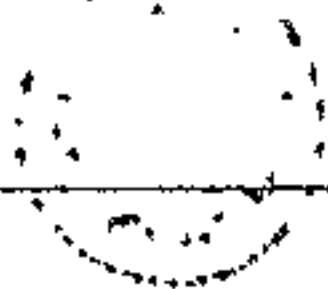
۱ - Von Reuter .

۵ - Sévres .

۴ - Trianon .

از لحاظ سیاسی با این امر موافقت نکردند و مخصوصاً مجزاه‌اندن دو اتین را از شرائط معاهده قرار دادند. دولت هنگری نیز ایالات مجار نشین محدود شد و دول چکوسلواکی و لهستان و بوگوسلاوی ایالات اسلاو نشین امپراطوری قدیم را میان خود تقسیم کردند. ترانسیلوانی را نیز دولت رومانی و ایالات استری و ترانتین را ایتالیا تصاحب کرد.

معاهدات نوبی و سورهم موجب تجزیه دولت عثمانی شد. باغارسنان فسمنی از اراضی خود را که بادر بای اژه مجاور بود از دست داد و ولایات ادرنه و ترانس با تمام جزائر دریای اژه. غیر از جزیره رُوس که ایتالیا تصاحب کرده بود، بنصرف یونان درآمد. برای دولت ترکیه (عثمانی قدیم) در اروپا بجز ندرسط طسه و حوالی آن و در آسیا غیر از ایالات آناتولی چیزی ماند. حتی در معاهده سورمنه بین بندر ازمیر را نیز یونان بخشیده بودند و همین امر موجب ظهور جنگ سختی بین ترکیه و یونان گردید. ارمنستان نیز دارای استقلال گشت و سوریه و بین‌النهرین را دول فرانسه و انگلیس بعنوان قیمومت تصرف کردند. ولی دولت فرانسه در تعیین حدود سوریه از شمال با مخالفت دولت جدید ترکیه مواجه شد و پس از آنکه دو سال با سپاهیان ترک که مصطفی کمال پاشا فرمانده ایشان بودند جناید، عاقبت ناچار بموجب معاهده آفره (اکتبر ۱۹۲۱) از تصرف ارمنستان صغیر و سلیسی چشم پوشید. سرزمین فلسطین نیز با مقررات مخصوصی بدولت انگلیس سپرده شد. مملکت حجاز را هم چون هنگام جنگ بتحریک انگلسنا، برضد سلطان عثمانی برخاسته بود، استقلال عطا کردند.



فهرست فصول و مطالب کتاب

فصل اول - اوضاع اروپا پس از سقوط حکومت ناپلئون

کنگره وین - وضع سیاسی اروپا در سال ۱۸۱۵ - تاثرات انقلاب
صفحه
فرانسه و امپراطوری ناپلئون در اروپا - اتحاد مقدس ۶

فصل دوم - اوضاع فرانسه از سال ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸

حکومت مشروطه - سلطنت شارل دهم - سلطنت لویی فیلیپ - موضوع
تفتیش سانس - موضوع پانچار - انقراض سلطنت لویی فیلیپ ۱۶

فصل سوم - اوضاع انگلستان در نیمه اول قرن نوزدهم

طرح حکومت انگلستان در آغاز قرن نوزدهم - موضوع آزادی بیرونی
و دهن کاتولیک - موضوع استقلال ایرلند و تعسر محدود قانون انتخابات - آزادی
تجارت و العاء قانون جدید علات ۲۵

فصل چهارم - انقلابات سال ۱۸۴۸

انقلابات ایتالیا - انقلابات نمارد و ویر - جنگ ملی ایتالیا با اطریش - تجدید
جنگ با اطریش از گت حکومت استمدادی انقلابات اطریش در سال ۱۸۴۸ - ظهور
انقلابات - علیه دولت رشکست انقلابیون - انقلابات آلمان در سال ۱۸۴۸ - اتحادیه دول
آلمان - اتحاد گمرکی - مجلس مؤسسان فرانکفورت - انحلال مجلس مؤسسان انقلاب
پروس و تشکیل مجلس مؤسسان ۳۵

فصل پنجم - ادبیات و علوم و صنایع ظریفه اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم

ادبیات فرانسه - ادبیات فرانسه پیش از انقلاب - ادبیات فرانسه پس از
انقلاب - ریشه لغت رمانتسم - عقاید هوا داران رمانسم - شاتو بریان - مادام استال
لامارتین - ویکتور هوگو - آلفرد دووین بی - آلفرد دمویه - سیت بون - شوپنیل گوئییه -
بالزاک - ژرژ سان - آلكساندر دوما - مورجن فرانسه - گویش تی ری - میشله - فلاسه - فرانسه
ادبیات انگلستان - لرد بایرن - شای - داستان سرایان انگلیس - والتر اسکات
شارل دیکنس - مورجن انگلیس - لرد ما کوله - کارل لایبل .

ادبیات آلمان - گوته - شیلر - هاری هاین - فلاسه آلمان - کانت - هگل - ترقی علوم
در نیمه اول قرن نوزدهم - هرشل - فرسلی - آمپر و آرا گو - فاراده - گه لوسائز
دالتن - داری - برلیوس ۴۲

صفحة

فصل ششم جمهوری دوم فرانسه

مقاصد سوسیالیستها و اداره مشاغل دولتی - انحلال اداره مشاغل و شورش کارگران - قانون اساسی جدید - دوره ریاست جمهوری لوئی پاپئون - که دای دوم در سال ۱۸۵۱ - دوره پادشاهی لوئی پاپئون - خدمات پاپئون سوم ۹۱

فصل هفتم - ایجاد وحدت ایتالیا و آلمان

ایجاد وحدت ایتالیا - ریکتور اماوئل و کامپور - مقدمات حکم ایتالیا و اطریش و اتحاد با پاپئون - حکم فرانس و ساردینی با اطریش صلح و یلانکا - انضمام ایتالیا مرکزی ساردینی - انضمام مملکت توسی سیل انضمام توسی ساردینی - تصرف رم .

ایجاد وحدت آلمان - مقدمات وحدت آلمان و حکم دوک شمشها استمارک - حکم پروس و اطریش - حکم سادوا - صلح پراگ - عامل غلبه پروس - مانع علیه پروس - حکم فرانسه و آلمان - مقدمات حکم موضوع انضمام لوگزامبورگ - موضوع سلطنت اسپانی - ظهور حکم - عزلتگیت فرانسه حکومت دفاع منی - محاصره پاریس - صلح فرانکفورت - تاسیس امپراطوری آلمان ۱۰۵

فصل هشتم - مسئله مشرق

امپراطوری عثمانی در آغاز قرن نوزدهم - احوال عیسویان و ممالک عثمانی - انقلاب صربستان و حال آن - معاهده با روسیه - استقلال داخلی صربستان - انقلابات یونان - ظهور انقلاب - مداحله دول اروپا - حکم یواری - حکم روس و عثمانی - معاهده ادرنه - اختلافات مصر و عثمانی - محمد علی پاشا و حکم سوریه - مداحله دول اروپا - حکم دوم مصر و عثمانی - حکم کریمه - اتحاد فرانسه و انگلیس با عثمانی - عهد نامه پاریس اوضاع ممالک بالکان پس از معاهده پاریس - تشکیل دولت رومانی - انقلابات صربستان - مسئله روسی و هررگوین - حکم صربستان و عثمانی - انقلاب سسططله حکم روس و عثمانی - کنگره برلین - تشکیل دولت بلغارستان - استقلال داخلی حریره کرب - انقلاب جوانان ترک - اتحاد ممالک بالکان و حکم ۱۹۱۲ - مقاصد دول معظم ارضه پا ۱۳۷

فصل نهم - اوضاع روسیه در قرن نوزدهم

ملاک و لهستان - سلطنت نیکلا و شورش سپاهیان - انقلاب لهستان - روسیه

در دوران سلطنت نیکلای اول . سلطنت الکساندر دوم و آردی روساتیان صفحه
 انقلاب ناسی لهستان . تاثیر انقلاب لهستان در روسیه . سلطنت الکساندر
 سوم . سلطنت نیکلای دوم ۱۶۷

فصل دهم تاریخ امپراطوری آلمان از سال ۱۷۸۱ تا ۱۹۱۴

ویلهلم دوم . قانون اساسی و وضع حکومت آلمان سیاست داخلی و بیگانه . احوال
 ملل تابعه آلمان . جمهوریات آلمان ۱۷۸

فصل یازدهم اوضاع انگلستان از ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴

محافظة کاران و آردی طلاان . اوضاع انگلستان از ۱۸۴۸ تا ۱۸۶۷ . تغییر
 قانون انتخابات در سالهای ۱۸۶۷ ، ۱۸۸۴ . مسئله ایرلند . اتحاد کارگران
 و حرب جدید کارگر . تجدید اختراعات محاسن لردها ۱۸۶

فصل دوازدهم - اوضاع فرانسه از سال ۱۸۷۰ تا آغاز جنگ بین المللی

استقرار دولت و پادشاهت آلمان . استعمار فرانسه و سیاست
 جمهور ماک ماهون قوانین اساسی سال ۱۸۷۵ - حکومت جمهوری طلاان . تجدید
 نظر در قانون اساسی . نمایشگاه بین المللی سال ۱۸۸۹ . موضوع پاناما . اورامات
 آناارشیستها . موضوع دریفوس . بحره مذهب در دولت . تغییرات اساسی فرانسه
 از سال ۱۸۷۰ ۲۰

فصل سیزدهم اوضاع اطریش هنگری از ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۴

اختلافات ملی در اطریش - اختلافات ملی در هنگری . اوضاع
 اطریش هنگری در آغاز قرن بیستم ۲۱۶

فصل چهاردهم - اوضاع تجاری و صناعی دنیا در قرن

نوزدهم و بیستم .

اختراع ماشین بخار - اختراع راه آهن . بحر بیمانی و اختراع کشتی
 بخار . حفر تنگ سوئز - حفر تنگ پاناما . هواپیمائی و اختراع موتور و
 طیاره . اختراع تلگراف و تلفن ترقیات امور پستی ترقی صاج و صرف ۲۲۴

فصل پانزدهم - ادبیات و علوم اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم

و آغاز قرن بیستم

ادبیات و علوم در فرانسه . شعرای فرانسه در نیمه دوم قرن

نوزدهم . داستان سرایان فرانسه - نثر نویسی در نیمه دوم قرن نوزدهم .
 مورخین فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم . فلسفه در نیمه دوم قرن نوزدهم -

ادبیات آلمان - داستان نویسان آلمان - آثار نویسندگان آلمان - مورخین آلمان - فلاسفه آلمان

ادبیات انگلستان - شعرا انگلستان - داستان نویسان انگلستان - آثار نویسندگان انگلستان - فلاسفه انگلیس

ادبیات روسیه در قرن نوزدهم - شعرا روسیه - گری بایدوف - پوشکین - لرمونتوف - نویسندگان روسیه

ترقی علوم در نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم - علمای ریاضی - علوم طبیعی - شیمی

۲۳۹

فصل شانزدهم - دست اندازی اروپائیان بر سائر قطعات عالم

تشکیل مستعمرات اروپائی در افریقا - تصرف الجزیره از جانب فرانسه - تسلط یافتن فرانسه بر تونس و مراکش - اوضاع مصر - خدمات محمد علی پاشا و جانشینان او - تصرف سودان - اوضاع سایر نواحی افریقا - کاشفین معروف افریقا - تقسیم افریقا - متصرفات فرانسه - متصرفات انگلستان - متصرفات آلمان

تشکیل مستعمرات اروپائی در آسیا - آسیای روس - تصرف سبیری - تصرف فنقازیه - تصرف ترکستان - متصرفات انگلیس در آسیا

۲۷۰

تصرف هندوستان - متصرفات فرانسه در آسیا

فصل هفدهم - اوضاع ژاپن در قرون نوزدهم و بیستم

اوضاع ژاپن پیش از قرن نوزدهم - انقلاب ۱۸۶۸ - جنگ کرده - جنگ روس بر ژاپن - اوضاع کنونی ژاپن

۳۰۲

فصل هجدهم - اوضاع ممالک متحده امریکای شمالی در قرون

نوزدهم و بیستم

قانون اساسی سال ۱۷۸۷ - توسعه ممالک متحده - موضوع بردگی - جنگ انفصال - الغاء بردگی - ترقیات اقتصادی و صنعتی ممالک متحده - اختطاریه

۳۱۰

هنر و سیاست استعماری امریکا

فصل نوزدهم - تغییر حیات اجتماعی ملل در قرن نوزدهم

۳۲۱

منع برده فروشی - تخفیف مجازاتهای قانونی - آزادی مذهب - تغییر طرز حکومتات

فصل بیستم - ظهور سوسیالیسم یا ماسک اجتماعی

۳۲۷

سن سیمون - فوریه - اوت - لوتی بلان - پرودن - کارل مارکس